

آیا با افزایش استانداردها
ایمنی بیشتر شده است؟

استانداردی
روی کاغذ!

نیاز اقتصاد ایران

شوک اشتغال شرکت های فناوری
و تجارت الکترونیکی را در بر گرفته است
تعدیل نیرو
پشت دیوار اینترنت

صفحه ۶

صفحه ۷

یادداشت - ۱

چگونگی گذار
از نظام «حامی پروری»!

در این روزهای بسیار دشوار و خطیر و آمیخته با حدس و گمان و ترس ها و نگرانی های تو انفر سا، شاید تحلیل های پیچیده و اساسی به منظور ریشه یابی وقایع در ناک



حسین حقگو

واقع شده در این ایام، امری ضروری اما کم مخاطب باشد، چرا که فضای احساسی حاکم بر فضای عمومی، عمدتاً معطوف به تغییر سریع و یکباره امور و به تعبیری «ثقلانی» است، چرا که در باور عمومی گفتنی ها همه گفته شده و نکته ناگفته ای باقی نمانده مشکلات مشخص و راه حل هاهم معین است و تنها حرکت و عمل برای تغییر مورد نیاز است. آیا به راستی چنین است و کافی است چنین اراده و حرکتی فراهم شود و تغییرات بزرگ رقم بخورد؟! پاسخ به نظر مثبت نیست و چنین رویکرد و تحلیلی، خطر ناک و سادهدانیشانه از وضعیت امروز میهنمان است.

این ملک و ملت شاید برای چندمین بار در طول حیات و در یکی از غمبار ترین و سرنوشت ساز ترین روزهای تاریخی اش ممکن است با عدم درک و شناخت عمیق و دقیق از خود و جهان اطرافش، در خوشبینانه ترین حالت با تداوم همین وضعیت با ظاهری متفاوت اما محتوایی یکسان و در حالت های بدبینانه به وضعیتی دوچندان بدتر مواجه شود، چرا که در چارچوب اقتصاد سیاسی غالب فعلی، جز تغییر چهره ها (اعم از سیاستمداران و تصمیم گیران تامجریان و کار به دستستان) کمتر تحول مثبتی را می توان انتظار داشت و وضعیتی متفاوت با امروز را رقم زد.

چارچوب اقتصاد سیاسی کشور مان طی دهه ها، مبتنی بر حامی پروری بوده است که بر اساس آن رانتهای اقتصادی، انتصابات شغلی، دسترسی به اطلاعات و مصونتهای قضایی و سیاسی و... در شبکه در هم پیچیده ای از مقامات سیاسی و چهره های بانفوذ و نهادهای غیر رسمی بین سیاستمداران جوان و مدیران میانی و فعالان حزبی و رسانه ها و چهره های تاثیر گذار توزیع شده و نتایج پس ناگوار سیاسی و اقتصادی را به بار آورده است؛ از تضعیف نهادهای رسمی و انسداد گردش نتخبگان و شخصی سازی قدرت و افزایش بی اعتمادی عمومی تا تخصیص ناکار آمد منابع و گسترش رانت و فساد و کاهش بهره وری اقتصاد و فرار سرمایه و نتخبگان و تضعیف رقابت در بازار و کند شدن رشد اقتصادی و...

آمار و ارقام فاجعه آمیز اقتصادی از رشد سرمایه گذاری و اقتصادی منفی طی بیش از یک دهه و تورم دو رقمی بالای ۴۰ درصد و ناترازی های عظیم آبی و محیط زیستی و نظام بانکی و تامین اجتماعی بحران زده و... نتیجه چارچوب اقتصاد سیاسی حامی پروری مبتنی بر اضمحلال منابع بوده است. چارچوبی که از جمله کار و فعالیت سالم را از فعالان اقتصادی شناسنامه دار و کارآفرینان شناخته شده سلب و آنان را به حاشیه ران بر متن اقتصاد تبدیل کرده و کسب و کارشان را با مشکلات بسیار مواجه و به مرز نیستی و نابودی کشانده است. چنانکه گزارش اخیر مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی ایران از شاخص کار از ثبت بدترین رقم این شاخص (۶٫۳) در پاییز امسال خبر می دهد که از بهار ۱۳۹۸ و حتی زمان فراگیری بیماری کرونا هم بی سابقه بوده است. از سوی دیگر این وضعیت ناسامان بنگاه های اقتصادی، سبب کاهش توان تولیدی و خدمتاتی کشور و تنزل شدید در ادملی و گسترش فقر و بیکاری و بی عدالتی در جامعه شده است. در واقع چارچوب اقتصاد سیاسی حامی پروری یا تبول داری سبب تحمیل تحریم های بین المللی، بی ثباتی سیاسی، ناترازی های ساختاری و فروپاشی اعتماد عمومی و مصائب بسیاری شده که صرفاً با تغییرات رونمایی سیاسی، امکان برون رفت از آنها ممکن نیست. اگر امروز رییس اتاق تهران برای چندمین بار در همین یک سال اخیر از بی ثباتی ارزی، فشار فراینده ناشی از تحریم ها و روند فراینده نرخ نقدینگی و... سخن می گوید از دولت می خواهد «فشار های عمومی خرمندانه» پیش گیرد (اسات اتفاق تهران - ۱۳۰ / ۴ / ۱۴۰۴) و کمتر گوششی شنواست و همچنان در بر همان پاشنه دشمنی و تضاد با جهان و موهبت بودن تحریم و نفوذی بودن کارشناسان دلسوز اقتصادی و... می چرخد، بر آمده

از همان چارچوب اقتصاد سیاسی حامی پروری است که در رگ و ریشه اقتصاد و سیاست نظام حکمرانی در کشور مان طی «دهه ها» خانه کرده و حتی دولت را هم به «تسخیر» خود در آورده و مقابله با آن نیازمند دانش و خرد عمیق و اجماع نتخبگان و پشتوانه وسیع اجتماعی و از همه مهم تر طراحی بازی است که همه بازیگران حاضر به بازی در این زمین با کسب منفعت کمتر به جای ایجاد «زمین سوخته» باشند. ادامه در صفحه ۳

افزایش معاملات از دی ماه و آینده ای میان ثبات و رکود

بازار مسکن در آستانه تغییر فاز

معاملات مسکن در تهران هستیم. البته باید توجه داشت که شب عید بازار مسکن از دی آغاز می شود و محدود به اسفند نیست. معمولاً در ۷۵ روز پایانی سال، معاملات افزایش پیدا می کنند.

صفحه ۵ رابخوانید

در مسیر خروج از رکود قرار گرفته با این تحرک صرفاً یک واکنش فصلی و کوتاه مدت است؟ داود بیگی نژاد، نایب رییس اتحادیه مشاوران املاک تهران، با تأیید آغاز افزایش معاملات می گوید: از ابتدای دی ماه شاهد افزایش

از تغییر تدریجی فاز بازار حکایت کند. افزایش تعداد معاملات از ابتدای دی ماه، همزمان با نزدیک شدن به ماه های پایانی سال، توجه فعالان اقتصادی و متقاضیان مصرفی را به این پرسش جلب کرده که آیا بازار مسکن



در کنگره ملی سیاست خارجی با حضور وزرای خارجه ادوار تشریح شد

گزارش عراقچی از مذاکرات

اگر یک قدم عقب نشینی کنید دیگر معلوم نیست این عقب نشینی تا کجا ادامه خواهد یافت

۲

یادداشت - ۳

خطر جبران کسری بودجه از طریق تورم

دلیل پول بیشتر) و بدون افزایش متناسب عرضه کالاها و خدمات، قیمت بالا می رود. (کاهش ارزش پول - قدرت خرید مردم کاهش می یابد و در واقع بخشی از ثروت آنان به دولت منتقل می شود (مانند یک مالیات پنهان). این گزارش های اجرایی اما پیامدهای منفی ویژه ای دارند که نتایج آن را قالب نارسایی های اقتصادی بر مردم وارد می شود، از جمله این پیامدهای منفی می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- **تورم بالا و بی ثباتی قیمت ها:** کاهش ارزش پول ملی،
 - **توزیع ناعادلانه در آمد:** اقشار کم درآمد کم پس انداز نقدی دارند بیشتر آسیب می بینند.
 - **کاهش سرمایه گذاری مولد:** زیر نااطمینانی افزایش می یابد
 - **افزایش نرخ بهره (در پاسخ به تورم)**
 - **فرار سرمایه به سمت دارایی های مشهود (طلا، ارز و مسکن):** یافزار سرمایه به خارج.
- باین توضیحات ممکن است پرسش هایی در این خصوص که کدامین کشورها با چنین مشکلات و پیامدهایی مواجه بودند؟ شکل بگیرد. برای این مدلل های توری نمونه های تاریخی خاصی وجود دارد، از جمله: آلمان پس از جنگ جهانی اول (بر تورم دهه ۱۹۲۰)، ژیمبابوه در دهه ۲۰۰۰ و ونزوئلا در سال های اخیر، ضمن اینکه ایران نیز در دوره هایی (به ویژه تحت تاثیر تحریم ها، کاهش درآمدهای نفتی و کسری بودجه) واحدی از این مکانیسم استفاده کرده است. برای مقابله با این رویکرد اما جایگزین های سالمی وجود دارد که از طریق آن می توان (با ملاحظات عدالت اجتماعی)، استقراض از بازار داخلی از طریق انتشار اوراق، جذب سرمایه خارجی و رشد هزینه های غیر ضروری دولت. افزایش بهره وری و رشد اقتصادی برای افزایش درآمدهای واقعی. در عین حال باید توجه داشت تأمین مالی توری معمولاً به عنوان یک راه حل کوتاه مدت و پرخطر شناخته می شود که در بلندمدت می تواند به بی ثباتی اقتصادی و اجتماعی منجر شود. اقتصاددانان معمولاً تنها در شرایط بسیار خاص (مانند رکود عمیق یا نرخ بهره صفر) و به صورت محدود، سیاست های افزایش نقدینگی را توصیه می کنند، اما تأکید بر آن است که این اقدام باید با نظارت دقیق و خنثی سازی اثرات توری همراه باشد.

یکی از عوامل تاثیر گذار بر ایجاد تورم در برخی جوامع نظام تصمیم سازی های اقتصادی و اجرایی است. وضعیتی که در آن دولت ها برای جبران نیازهای مالی خود از عامل تورم بهره می جویند تا از این طریق به منابع مورد نظر دست پیدا کنند. (Inflationary Financing) می فرایندی اشاره دارد که در آن یک دولت یا ساختار اجرایی و نظام تصمیم سازی، برای تأمین هزینه های خود، به جای افزایش مالیات یا استقراض از بازار، به چاپ پول بدون پشتوانه یا استقراض از بانک مرکزی متوسل می شود. وضعیتی که در اقتصاد ایران بارها تکرار شده و دولت ها از طریق تورم منابع مورد نظر خود را تأمین می کنند. این عمل باعث افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد می شود و در صورتی که با رشد تولید همراه نباشد، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت ها (تورم) می شود. در واقع، ساختار های تصمیم ساز از طریق ایجاد تورم، به صورت غیر مستقیم منابع مالی را از جیب مردم (کاهش قدرت خرید پول) به سمت خود منتقل می کنند، اما مکانیسم تأمین مالی توری شاخص ها و ویژگی هایی دارد که باید به آن توجه داشت:

- ۱) **کسری بودجه دولت:** دولت ها به دلایل مختلف (مانند هزینه های اجتماعی، پروژه های عمرانی یا جنگ) با کسری بودجه مواجه می شود. برای جبران این کسری بودجه بعضاً دولت ها دست به اقدامات تورم زایی می زنند که هر چند در کوتاه مدت نیاز آنها به منابع مالی را تأمین می کند اما در بلندمدت برای مردم گرانی و تورم و مشکل به همراه دارد.
- ۲) **چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی:** روش بعدی تأمین مالی از طریق نوسانات توری چاپ پول یا استقراض از بانک مرکزی است. در واقع مدیران به جای انتشار اوراق قرضه در بازار یا افزایش مالیات، دولت پول جدید بدون پشتوانه تولید می کند یا از بانک مرکزی و سیستم بانکی وام می گیرد.
- ۳) **افزایش نقدینگی:** روش مهم بعدی پمپاژ نقدینگی در اقتصاد است. از این طریق پول جدید وارد اقتصاد شده و باعث نوسانات توری می شود (معمولاً از طریق پرداخت های دولت).
- ۴) **عدم تعادل بین عرضه و تقاضا:** با افزایش تقاضا (به



محمد زامنچوب

تर्फه ۲۵ درصدی؛ ابزار فشار سیاسی یا تهدید واقعی؟

شده است. از سوی دیگر باید به نقش امارات و عراق در تجارت خارجی ایران نیز توجه داشت. مساله این بر اعمال تعرفه های ۲۵ و سومین شرکای تجاری ایران محسوب می شوند. این در حالی است که مبادلات مالی هر دو کشور به شدت زیر نظر امریکا قرار دارد. اگر امریکا واقعا قصد جلوگیری از تجارت ایران را داشت، می توانست به همکاری مالی و تجاری خود را با ایران متوقف کند. نه اینکه از ابزار تعرفه استفاده کند.

در عراق به دلیل ساختار سیاسی و مالی پس از جنگ و توجه داشت که بیش از ۸۰ درصد صادرات و واردات کشور با کمتر از شش یا هفت کشور انجام می شود. چین، امارات، عراق، ترکیه و افغانستان مهم ترین شرکای تجاری ایران هستند و بخش عمده مبادلات ما از طریق همین مسیرها جریان دارد. همین تمرکز جغرافیایی باعث شده که اقتصاد ایران سال ها خود را با شرایط محدود و تحریمی تطبیق دهد. اما پرسش کلیدی آن است که جهانی که به پایه لیبرالیسم اقتصادی، تجارت آزاد و بازار رقابتی تعریف شده، چگونه می توان یک کشور را به دلیل رفتار با تصمیم یک بنگاه اقتصادی مورد مجازات تعرفه ای قرار داد؟ جز حوزه نفت که از مسیر شرکت ملی نفت ایران انجام می شود، بخش عمده صادرات و واردات کشور توسط شرکت های خصوصی یا شبه خصوصی صورت می گیرد که از نظر حقوقی بنگاه هایی مستقل محسوب می شوند. اگر یک شرکت آلمانی، چینی یا اماراتی با ایران وارد مراده تجاری شود، از منظر حقوق تجارت بین الملل، این تصمیم مربوط به همان بنگاه است و نه کل اقتصاد یا دولت متبوع آن کشور. بنابراین اعمال تعرفه بر کل اقتصاد یک کشور به بهانه همکاری یک یا چند شرکت با ایران، نه تنها با اصول حقوق تجارتی همخوانی ندارد، بلکه ناقض قواعدی است که پس از جنگ جهانی دوم و در قالب نظم اقتصادی غربی، به رهبری امریکا، پایه گذاری شده است. از جنگ واکراین به این سسو، شاهد نادیده گرفتن گسترده قواعد حقوق عمومی، حقوق سیاسی و حتی حقوق تجاری در سطح بین الملل هستیم. همان نظمی که غرب مدعی دفاع از آن بود، امروز توسط خود باز یگران اصلی اش نقض می شود و استفاده ابزاری از تحریم و تعرفه به امری عادی بدل



مجید شاهروری

یادداشت - ۴

نتایج تضعیف ریال

بعد از جنگ هشت ساله، برنامه افزایش قیمت ارز به یک سنت مرسم دولت ها تبدیل شد. این خودش موجب کاهش ارزش پول ملی و بروز تورم می شود که بسیار مساله کلیدی و حیاتی است. از طریق سیاست های



حسین راغفر

پولی مخرب و سیاست ایجاد شوک های ارزی که در ۳۷ سال اخیر دنبال شد پول ملی مر تباً تضعیف شد. این تنها یک فاجعه اقتصادی نیست، بلکه یک تهدید بنیادین برای ساختار اجتماعی و سیاسی عامل بی ثباتی، بی عدالتی و فروپاشی نظم اجتماعی است، این پدیده پیامدهای گسترده ای داشت که از جمله آنها می توان به تخریب قرارداد اجتماعی و کاهش اعتماد مردم به دولت اشاره کرد. پول ملی اعتبار حاکمیت است. وقتی دولت از طریق افزایش قیمت از مبادرت به بی ارزش کردن پول ملی می کند، پیامدهای گستره ای ایجاد می شود. اولین پیامد آن است که اعتماد مردم به نسبت به پول ملی که پایه اعتماد مردم به حاکمیت است از دست می رود؛ زیرا پشتوانه این پول، حاکمیت است و به همین دلیل پول اعتبار پیدا می کند. بی اعتبار شدن این پول یعنی بی اعتبار شدن حاکمیت سیاسی کشور. کسانی که دارای پول و مملوس و فیزیکی مثل زمین، ساختمان، دلار، طلا و سهام دارند، برنگان کاهش ارزش پول ملی هستند. بازندگان هم طبقات متوسط و فقیرند که از درآمد ثابت بر خور دارند. پس انداز کنندگان، ارزش پس اندازشان از بین می رود، کارگران پولی که دریافت می کنند کمتر از ارزش کار می است که انجام می دهند و چپ افراطی یا راست افراطی هم سقوط پیدا می کند و نسبت به حل مسائل از طریق گفت و گو و صندوق رای بی اعتماد می شود. وقتی پول بی ثبات می شود انگیزه های مولد از بین می رود و افراد به جای کار، تولید و سرمایه گذاری بلندمدت مجبور می شوند به فعالیت های کوتاه مدت و مخرب سفته بازی، نگهداری ارز، کالاها و سرمایه ای و دارایی ها بپردازند. نتیجه دیگر کاهش ارزش ریال، تضعیف حاکمیت ملی کشور در عرصه بین المللی است. حفظ ارزش پول ملی بخشی از استقلال اقتصادی کشور را مورد تأکید قرار می دهد. ادامه در صفحه ۳



به شماره ۳۲۰۵۳۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روز نامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.

سامانه پیامکی روز نامه تعادل